

## گشت و گذاری در آتشکده

### محمد صحتی سردرودی

است که در یک مجلد گنجانده شده است. امروزه، چنان که متداول و معروف است، بیشتر به آن آتشکده گفته می شود تا دیوان اشعار یا دیوان نیر. البته آنچه به نام دیوان اشعار منتشر شده، بهتر و دقیقتر و چشمنازتر از آن است که به نام آتشکده انتشار یافته است. این کتاب، در سه بخش تنظیم شده است:

۱. آتشکده، در قالب مثنوی، و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است. حجت الاسلام خود در باره نام و تاریخ آن می گوید:

بس که دلسوز آمد این نظم زده  
آمد از هاتف به نام آتشکده  
شکرکاین منظومه مشکین ختام  
در هزار و سیصد و نه شد تمام<sup>۴</sup>

۲. لآلی منظومه، در قالب ترکیب بند و غزل و قصیده و... در این قسمت اشعاری به زبانهای ترکی و عربی و بیشتر فارسی گردآوری شده است و از میان شعرهای فارسی - که زبان غالب کتاب است - ترکیب بند بلندی در ۲۸ بند سروده شده است که پیشتر با عنوان سی و سه بند نیز به صورت مستقل انتشار یافته است. این اثر سترگ دارای صلابت و صمیمیت خاصی است که در اشعار دیگر این مجموعه دیده نمی شود و حایز امتیازات

آتشکده، تفسیر روشنی از این حدیث است که: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>

آتشکده کتابی پرآوازه، اثری با محتوا و ژرف و ماندنی است. به زبان رسای شعر اصیل، در قالبهای مختلفی، مثل مثنوی، ترکیب بند، قصیده، غزل و...، از امام حسین (ع) و حماسه های ناب عاشورا سخن می گوید.

حرارت و صمیمیتی که در سخن حجت الاسلام دیده می شود، حاکی از حال و حیات حسینی است که نیر در سایه سار آن اقبال و اشراق یافته و آتشکده را باصفا، راست و حسینی ساخته است. درست به همین دلیل است که می بینیم این کتاب، پس از انتشار، قبول خاطر خاص و عام شده، در میان شاعران و ادیبان، به ویژه در بین مداحان و ذاکران ابی عبدالله، دست به دست می گردد، تا آن جا که بیش از چهار بار به صورت چاپ سنگی منتشر می شود.<sup>۲</sup>

چاپ اول در سال ۱۳۱۵ق در تهران، و چاپ دوم در سال ۱۳۴۶ق، همراه با غزلیات نیر، در تبریز انجام می گیرد و...<sup>۳</sup> پس از آن نیز چندین بار به صورت حروفچینی شده و به نام آتشکده و دیوان اشعار انتشار یافته است، و در حقیقت سه کتاب

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۷.

۲. آتشکده، ص ۱۷۲.

۳. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۵.

۴. آتشکده، ص ۱۰۲.

که بی‌گمان از یکدیگر تأثیر پذیرفته و به استقبال هم رفته‌اند، اما قراین و شواهدی که بتواند تقدیم آتشکده را، به ویژه بر زبده الاسرار، ثابت کند کافی نیست. به هر صورت، این سه کتاب، در اوایل قرن چهاردهم هجری سروده شده است.

روضه الاسرار، مثنوی دیگری است که شمس الشعراء، سروش اصفهانی سروده است و می‌توان در کنار این سه مثنوی عاشورایی، از آن نیز نام برد. اما برخی از عواملی که آتشکده را از امثال خود ممتاز ساخته است، عبارت‌اند از:

۱. اصطلاحات تکان‌دهنده و غیرمناسبی که از مبالغه‌های صوفیانه و خانقاهی ناشی می‌شود، به هیچ وجه در آتشکده حضور نیافته است؛ در حالی که هم در زبده الاسرار و هم در گنجینه الاسرار، این کار از حد تکرار گذشته، گاه به مرز اطناب می‌رسد. برخلاف شیخ صفی و عمّان سامانی - که به تصوّف و احادیث مرسل و ضعیف نظر دارند -<sup>۵</sup> نیز بیشتر نظر به آیات قرآن، احادیث، تاریخ و مقاتل معتبر دارد. نیز حتّی از تعریض و تحقیر برخی صوفی‌مشرها نیز اِبا ندارد.<sup>۶</sup>

۲. غفلت نکردن از مقام ولایت امام حسین (ع) و وسعت بخشیدن به دیدگاه شاعرانه است که شاعر را موفق می‌کند تا واقعه کربلا را در پرتو درخشان امامت و عصمت به زیارت و روایت نشیند و به جای این که مرعوب سنگدلی و قساوت صف مقابل شود، فکر و ذکرش را معطوف اخلاص، ایثار و شهادت سیدالشهداء (ع) و یاران باوفایش کند. حجت الاسلام نیز، حتّی در ترسیم چهره شهید شیرخوار کربلا نیز این مطلب را از یاد نمی‌برد:

شیرخواره شیر غاب پردلی  
نعت او عبدالله و نامش علی  
در طفولیت مسیح عهد عشق  
«انسی عبدالله» گو در مهد عشق

۱. همان، ص ۱۶۴.
۲. مقتطفات، ص ۲۱۹.
۳. آتشکده، ص ۱۲۵.
۴. همان، ص ۱۹۱.
۵. همان، ص ۸۰.
۶. همان، ص ۳۶-۳۷.

چندی است که آن را از نظایر خود ممتاز می‌سازد. حتّی از ترکیب‌بند معروف و مسبوق محتشم نیز فراتر می‌رود. از میان اشعار عربی - که تنها شامل سه قصیده است - قصیده نخست در رثای امام حسین (ع) سروده شده است و قصیده دوم و سوم، به ترتیب، در مدح امام علی (ع) و امام زمان (عج) است. قصیده سوم - که در نوع خود شاهکار شمرده می‌شود - به نام «قصیده ندبه»<sup>۱</sup> و بیشتر به اسم «لامیة الترك»<sup>۲</sup> معروف است. از میان اشعار ترکی - که چندان هم زیاد نیست - جالبتر از همه شعری است که عنوان آن، «مناجات از قول سیدالشهداء (ع)» است:

محبوبیم الله لبیک لبیک  
مطلوبیم الله لبیک لبیک  
گرگچسه مین یول باشیم جدایه  
بوتن بو تسلیم حکم قضایه  
وقف ایتمشم جان کوی بلایه  
محبوبیم الله لبیک لبیک  
تاوار بوباشدا عشقون هواسی  
تیغ جفادن یو خودور هراسی  
نووک سناندور کوه مناسی  
محبوبیم الله لبیک لبیک ...<sup>۳</sup>

۳. غزلیات فارسی، این قسمت چندان ارتباط آشکاری با موضوع کتاب - یعنی مدح و مرثیای امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) - ندارد، اما با کمی تأمل و دقت می‌توان دریافت که بیگانه با اصل موضوع هم نیست و بیشتر با همان حال و هوای علوی - حسینی سروده شده است:

مگر قدم به ره عشق هشتن آسان است  
سر سران جهان، ریگ این بیابان است  
تمتعی که بود تشنه راز آب فرات  
مراز خنجر قاتل هزار چندان است ...<sup>۴</sup>

آتشکده بیشتر با دو اثر گرانسنگ - که آنها هم در حول و حوش حماسه عاشورا سروده شده‌اند - مقایسه و سنجیده می‌شود: یکی زبده الاسرار، سروده حسن صفی‌علیشاه (۱۲۵۱-۱۳۱۶ق) و دیگری گنجینه الاسرار، سروده عمّان سامانی (۱۲۶۴-۱۳۲۲ق). این هر سه، چنان به هم می‌مانند

ماهی بحر لَدُنِّي در شرف  
 ناوک نمرود امت را هدف  
 کودکی در عهد مهد استاد عشق  
 داده پیران کهن را یاد عشق  
 طفل خرد اما به معنی بس سترگ  
 کز بلندی خرد بنماید بزرگ  
 خود کبیر است از چه بنماید صغیر  
 در میان سبعة سیاره تیر  
 دید اصغر خفته در حجر ریاب  
 چون هلالی در کنار آفتاب  
 با زبان حال آن طفل صغیر  
 گفت باشه کی امیر شیرگیر  
 جمله را دادی شراب از جام عشق  
 جز مرا کمتر نشد زان کام عشق  
 طفل اشکی در کنار افتاده ام  
 مفکن از چشمم که مردم زاده ام  
 گر چه وقت جانفشانی دیر شد  
 « مهلتی بایست تا خون شیر شد »  
 جرعه ای از جام تیر و دشنام  
 در گلویم ریز که بس تشنه ام  
 تشنه ام آبم ز جوی تیر ده  
 کم شکیم خون به جای شیر ده  
 تا نگرید ابر، کی خندد چمن ؟  
 تا ننال طفل، کی نوشد لبن ؟<sup>۱</sup>

و آن جا که می خواهد از شهادت پیشوای شهیدان سخن گوید، زبان حال حضرت رانه در میان خیل خروشان اشرار و لشکر کوفه و شام، که در مکالمه با فرشتگان و ارواح قدسی روایت می کند، و در نتیجه، حکایت هایی که به نظم می کشد، به جای این که قصه ذلت و غصه و غم باشد، حدیث حریت و عزت است.<sup>۲</sup>

و در پایان، با عنایت به حدیثی که از امام سجاد (ع) روایت شده است،<sup>۳</sup> چنین نتیجه می گیرد:

هر چه بر وی سخت تر گشتی نبرد  
 رخ ز شوقش سرختر گشتی چو ورد

آری آری عشق را این است حال  
 چون شود نزدیک هنگام وصال<sup>۴</sup>  
 و سخن امام سجاد (ع) را که خطاب به یزید فرمود:  
 « أبالقتل تهددنی! أما تعلم أن القتل لنا عادة وكرامتنا الشهادة؟ »، بالحنی زیبا و رسا، این گونه بیان می کند:  
 ما نداریم از قضای حق گله  
 عار نباید شیر را از سلسله  
 من ز جان خواهم شدن در خون غریق  
 کی سمندر باز ترسد از حریق  
 کشته گشتن عادت دیرین ماست  
 این کرامت دیدن و آیین ماست  
 حلقی روبه در خور زنجیر نیست  
 لایق زنجیر او جز شیر نیست<sup>۵</sup>

۳. تحلیل تاریخی دقیق و ریشه یابی صحیح واقعه کربلاست که حکایت از مطالعه عمیق تاریخ و نشانه ژرف اندیشی نیر است. وی بارها در لابه لای اشعارش دست به این تحلیل درست زده است. برای نمونه، بیت زیر را می توان گواه آورد:

دانی چه روز دختر زهرا اسیر شد  
 روزی که طرح بیعت « منّا امیر » شد<sup>۶</sup>

این تحلیل، از عقاید شیعه سرچشمه می گیرد و در متون معارف شیعی نیز از آن سخن گفته شده است، اما در متون ادب فارسی، و در میان شاعران پیش از نیر، کسی را سراغ نداریم که چنین با دقت و صراحت از آن سخن گفته باشد.

سراینده آتشکده، میرزا محمد تقی مامقانی تبریزی (۱۲۴۸-۱۳۱۲ق)، معروف به حجت الاسلام تبریزی، متخلص به نیر، فرزند ملامحمد مامقانی حجت الاسلام تبریزی، در محاکمه و اعدام علی محمد باب در تبریز، رئیس هیئت علمای آذربایجان بود و بزرگ دانشمندان شیخیه آذربایجان در عصر

۱. همان، ص ۴۶-۵۳.

۲. معانی الاخبار، ص ۲۸۸.

۳. آتشکده، ص ۵۵.

۴. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۸.

۵. آتشکده، ص ۸۷، ۱۰۰.

۶. همان، ص ۱۱۶، ۵۹، ۷۰.

همراز بزم ما نبود طالبان جاه  
بیگانه باید از دو جهان آشنای ما  
برگردد آن که با هوس کشور آمده  
سر ناورد به افسر شاهی گدای ما  
ما را هوای سلطنت ملک دیگر است  
کین عرصه نیست در خور فرّ همای ما  
یزدان ذوالجلال به خلوتسرای قدس  
آراسته است بزم ضیافت برای ما  
برگشت هرکه طاقت تیر و سنان نداشت  
چون شاه تشنه کار به شمر و سنان نداشت<sup>۷</sup>

خویش شمرد می‌شد.<sup>۱</sup> و پراوازه‌تر از آن است که نیاز به شناسه داشته باشد. فشرده سخن این که وی عالم، فاضل، ادیب، شاعر، نقاد و نویسنده‌ای چیره‌دست در زبان عربی، فارسی و ترکی است.<sup>۲</sup> وی فارغ التحصیل حوزه علمیه نجف بود. به قول محمدعلی صفوت:

« در آسمان علم و ادب، آفتابی جهانتاب بود که صدها ستاره درخشان از او کسب روشنی کرده است. در زمان خود، بر فرض این که از معاصرین دانا، همپا و نظیری داشته، در قسمت ادبیات و قریحه شاعری از نوادر روزگار بود،... در حُسن خط و خوشنویسی ماهر و زبردست بود،... مردی بسیار بزرگوار، و در عین شهرت و مرجعیتی که داشت، مجهول القدر زمان خود بود.»<sup>۳</sup>

صحيفة الابرار في مناقب الأبطال، فسوة الفصيل، كشف السبحات في تحقيق الصفات، مفاتيح الغيب، لثالی منثور، مثنوی درّ خوشاب،<sup>۴</sup> و رساله‌های علم الساعة، لمح البصر، نصره الحق، الفیته، شرح انا النقطة، تفسیر ما خلقت الجنّ والانس،<sup>۵</sup> و تنظیم و تحریر ناموس ناصری، از تقریرات پدرش، آثار اندیشه و ذوق و قلم حجّت الاسلام تیر است.

با این همه، حجّت الاسلام بیشتر با اثر گرانسنگ و پربارش، آتشکده، شناخته شده است، و به جرئت می‌توان گفت که آتشکده، به ویژه ترکیب‌بند بلند آن، شاهکار تیر تبریزی است. یادآوری می‌کنیم که ابیات بسیاری از این ترکیب‌بند بلند، امروزه ضرب المثل گشته و همه جا کاربرد دارد و مصداق روشنی است از حدیث امام علی (ع) که فرمود: « شعر برتر، شعری است که ضرب المثل گردد.»<sup>۶</sup> اینک با نقل یک بند از این ترکیب‌بند، دامن سخن را فرامی‌چینیم:

گفت ای گروه هرکه ندارد هوای ما  
سر گیرد و برون رود از کربلای ما  
ناداده تن به خواری و نا کرده ترک سر  
نتوان نهاد پای به خلوتسرای ما  
تا دست و رو نشست به خون می‌نیافت کس  
راه طواف بر حرم کبریای ما  
این عرصه نیست جلوه گه روبه و گراز  
شیرافکن است بادیه ابتلائی ما

۱. گفت و شنود سیدعلی محمد باب با روحانیون تبریز (ناموس ناصری)، ص ۱۷۱.  
۲. نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۶۶؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۳۸۹.  
۳. داستان دوستان، ص ۲۲-۲۸.  
۴. الذریعة الی تصانیف الشیعة، زیر نام کتابهای یادشده.  
۵. نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۶۶؛ داستان دوستان، ص ۲۲.  
۶. چهل حدیث شعر، ص ۳۴، از نگارنده این مقاله.  
۷. آتشکده، ص ۱۰۸.